

سرنمون‌های سفر قهرمان
و گذار از آستانه در ادب ایرانی

دکتر آذرمیدخت رکنی

www.ketab.ir



۱۳۹۳

سرشناسه	: رکئی، آذرمیدخت، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: سرنمون‌های سفر قهرمان و گذار از آستانه در ادب ایرانی / آذرمیدخت رکئی .
مشخصات نشر	: تهران: ره‌آورد مهر، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۵ ص.
شابک	: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۳۲۸۸ - ۹ - ۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: قهرمانان در ادبیات
موضوع	: ادبیات فارسی -- تاریخ و نقد
موضوع	: اساطیر ایرانی -- تاریخ و نقد
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ر ۸ ق ۳۴۴۵ / PIR
رده بندی دیویی	: ۸۴۰ / ۹۳۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۲۱۸۲۱

انتشارات ره‌آورد مهر

آدرس: تهران، میدان انقلاب، خیابان ابوریحان، کوچه عنصری، پلاک ۱۱

درب سمت راست، زنگ دوم، کد پستی: ۱۳۱۵۶۷۴۵۴۱

Email: rahavardmehr.1390@yahoo.com

rahavardmehrpublishing@gmail.com

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۸۰۳۱ فکس: ۰۲۱-۶۶۴۷۸۰۴۷

سرنمون‌های سفر قهرمان و گذار از آستانه در ادب ایرانی

دکتر آذرمیدخت رکئی

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: خاتم

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۸۸-۹-۵

فهرست مطالب

سخن نخست	۱۱
مقدمه	۱۳
فصل اول: کلیات و تعاریف	۲۹-۶۰
۱- قهرمان و سفر قهرمانی	۲۹
۲- پیروی کردن از سفر قهرمان با الگویی خاص	۳۱
۳- خورشید وار بودن سفر قهرمان	۳۲
۴- نشانه ی بلوغ و تعالی بودن سفر قهرمان	۴۰
۵- برخوردار بودن قهرمان راستین از آمادگی کامل روان	۵۰
یادداشت های فصل اول	۵۸

فصل دوم: آغاز سفر

۱- تولد نمادین	۶۱-۹۲
الف: تولد از دوشیزه	۶۲
ب: تولد معجزه آسا	۶۲
پ: تأثیر عوامل فرا طبیعی در تولد	۶۵
ت: تولد و نمادهای گیاهی	۶۷
ث: تولد با ظاهر ناقص	۶۸
ج: تولد در ظاهری غیر حقیقی	۶۹
.....	۷۰

۷۱	۲- فراخوانده شدن و تصادف
۷۸	۳- سفر به میل خود
۷۹	الف: جست و جوی پدر
۸۰	ب: سفر برای یافتن شخص دلخواه
۸۳	۴- سفر به اجبار دیگران
۸۶	۵- سفر برای پالودن روح از گناه
۹۰	یادداشت های فصل دوم
۹۳-۱۱۴	فصل سوم: ورطه ی متعالی
۹۳	۱- رمز و راز درون
۹۵	۲- قلمرو متعالی
۹۵	۱-۲ مکان
۹۸	الف - غار
۱۰۰	ب- جنگل
۱۰۱	پ- آب
۱۰۳	ت- کوه و کاخ
۱۰۸	۲-۲- زمان
۱۱۰	یادداشت های فصل سوم
۹۹-۱۲۰	فصل چهارم: دشواری های سفر و آستانه ی اجبار
۹۹	۱- تاریکی درون
۱۰۰	الف: سایه
۱۰۳	ب- نرینه و مادینه ی روان
۱۰۷	۲- نمادهای رنج و گذار
۱۱۰	الف - نبرد با اژدها
۱۱۳	ب - رفتن در کام هیولا، سقوط به اعماق
۱۱۵	پ - رویارویی با نیروی اهریمنی و چیرگی بر سرشت حیوانی
۱۱۸	یادداشت های فصل چهارم

فصل پنجم: یاری دهنده ها ۱۶۲-۱۳۵

۱۳۷	۱- پریزاد
-----	-----------

۱۴۰	۲- پیردانا
۱۴۳	۳- یاری دهندگان با چهره ی جانوران فرا طبیعی
۱۴۴	الف- سیمرغ
۱۴۸	ب- کبوتر
۱۵۱	پ- اسب
۱۵۶	ت- گاو
۱۶۰	یادداشت های فصل پنجم
۱۶۳-۱۶۹	فصل ششم: پایان سفر
۱۶۹	یادداشت های فصل ششم
۱۷۱	گزیده ی کتابنامه

سُخَن نَخست

در زمان کودکی، خود را در آینده‌ای می‌پنداشتم پر از کاخ و اتاق آینه. خودم شاهزاده نبودم؛ اما شاهزاده‌ام سوار بر اسب سفید سرانجام از راه آمده بود و مرا به آن‌جا که خانه‌ی آرزوهایم بود برده بود. شاهزاده بلند بالا بود و دلیر و گفته‌هایم برایش دنیایی ارزش داشت. در زمان کودکی سرو و میوه‌ی کاج را بسیار دوست می‌داشتم؛ ما آن‌که در اطراف ما به دلیل گرما سروی نبود، میوه‌های کاج را جمع می‌کردم و به یکی شدن هلالی‌هایش می‌نگریستم. در زمان کودکی با سروها درد دل می‌کردم.

در زمان کودکی که جنگ ما را از خانه راند، قالیچه‌ی دست‌بافت‌وان یگاد را در خانه جا نهادیم. وقتی پس از چند سال باز گشتیم، حسی به من گفت به سراغ قالیچه برو و تکانش بده. ذره‌ای خاک ندارد. به سراغ قالیچه رفتم و سخت تکاندمش. ذره‌ای خاک نداشت.

در زمان کودکی، تنها یک صدای قصه‌گو از مادر بزرگم برایم تکرار می‌شد سنگ صبور، سنگ صبور تو صبور یا من صبور؟ بعدها چقدر در سختی‌هایم این جمله را تکرار کردم تا روزی به حقیقت داستان دست یافتم.

در زمان کودکی خواب عجیبی دیدم. گویی ندایی از جانب سرنوشت بود... در زمان کودکی نداهایی شگفت می‌شنیدم گویی باید به دنبالشان می‌رفتم...

بزرگ که شدم فهمیدم این‌ها همان سرنمون‌های فراخواننده و در برگیرنده‌ی روان بوده است. فهمیدم برای هر انسان راهی مقدر است و آن تقدیر قهرمان شدن است.

وقتی به دنبال رویاهایم راهم را از میان مشکلات می‌گشودم، نخست با مثل افلاطون آشنا شدم. سپس با اعیان ثابته‌ی ابن عربی. بعد با عالم خیال و عدم مولانا و آخر از همه یونگ را شناختم. این‌ها همه اندیشه‌های بزرگان بودند، اما اسطوره و افسانه‌های عامیانه را چه کسی این چنین یک‌سان پرداخته بود که شناختشان به هر زبانی و از هر مکانی جان را از روشنی می‌انباشت بی آن که در اصل آمدن، بودن، رنج کشیدن و نوع‌دوستی و جهان را ادراک کردن، رفتن و باز برگشتن در چرخه‌ی وجود به کلامشان دیگرگونی ببخشند؟ تجربه‌های ناب عرفانی با دنیای اسطوره، حماسه و افسانه‌های عامه چه کار داشت؟ چرا هر کس را به گونه‌ای فرا می‌خواندند و انسان خود در چرخه‌ی هستی بزرگ‌ترین فراخوانده شده است.

یونگ این تجارب مشترک را که در باورهای آدمی تکرار می‌شوند سرنمون یا کهن الگو می‌خواند و برخی از آن‌ها را مهم‌ترین عناصر موثر بر افکار و کردار بشر می‌داند که در صورت شناخته و درمان شدن روان‌پریشی را به همراه خواهند داشت.

ما در این کتاب به کهن الگوی «قهرمان» می‌پردازیم. او کسی است که تمام مراحل گذار را از آغاز که ناآشنایی با من فردی است توسط فراخوانی به هر شکل ممکن آغاز می‌کند و با توجه به استعدادی که برای خودشناسی دارد، با دیگر سرنمون‌ها روبه‌رو می‌شود. آن‌ها را می‌شناسد، به اطاعت خود در می‌آورد تا سرانجام به سرنمون حکمت یا رسیدن به خودشناسی دست یابد. او ممکن است یک پادشاه یک جنگجو یک عارف یا حتی آکچلک و نمکی باشد. مهم این است که چگونه یک تعریف درباره‌ی همه‌ی این‌ها مصداق پیدا می‌کند.

یونگ خاستگاه سرنمون‌ها را به آغاز آفرینش جهان مادی یا حتی جهان فراسویی بازپس می‌برد. گرچه او هیچ‌گاه خاستگاه سرنمون‌ها را به صورت قطعی مشخص نکرده و این را مساله‌ای متافیزیکی و شهودی دانسته است، و با علم به وجود مخالفان دنیای اثبات دلایل به قرینه‌ی تجربه‌های شهودی، باید گفت این مساله که در باور اسلامی، همه‌ی انسان‌ها در عالم ذر نزد خداوند حاضر بوده و امانت‌دار معرفتی هستند که فرشتگان را به آموختن وا می‌دارد، ما در این کتاب به هیچ عنوان درباره‌ی پیش از تاریخی بودن سرنمون‌ها تردید نداشته و آن‌ها را مصداق نفس اماره، لوازه و مطمئنه محسوب کرده‌ایم که یک حقیقت در اشکال مختلف است. به عقیده‌ی یونگ و مولانا عالم ماده جهان تضادهاست و با شناخت همین سرنمون‌ها و فطرت می‌توان به یگانگی و کلیت دست یافت.